

آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره بیستم، شماره ۳۷، بهار - تابستان ۱۴۰۲
نوع مقاله: علمی - پژوهشی (۲۳۹-۲۶۸)

فرایند گذار از نبوت انکاری به نبوت باوری در سیر نزول قرآن*

- نرگس قاسمی فیروزآبادی^۱
- سیده وحیده رحیمی^۲
- محمداکرم رحمان ستایش^۳

چکیده

چگونگی تغییر عمیق باور مشرکان عصر نزول از تکذیب پیامبر ﷺ تا یقین به رسالت و پذیرش ولایت تام او، سؤالی در خور توجه است. چنین آیات محوری پیرامون نبوت بر اساس ترتیب نزول، سبب دستیابی به فرایند تحول آفرینی و روش خاص قرآنی در نهادینه‌سازی باور نبوت در جان اعراب است. بر این اساس، این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی به فرایند تحول آفرینی قرآن کریم در بعد نبوت باوری در سه مرحله دست یافته است. در اولین مرحله، قرآن کریم در نخستین سور مکی با طرح رسالت پیامبر ﷺ و بیان اجمالی مباحث کلیدی پیرامون آن، از بعد انگیزشی جامعه را برای پذیرش حقانیت نبوت پیامبر ﷺ آماده ساخته است.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵.

۱. دکتری علوم قرآن حدیث، دانشگاه قم (نویسنده مسئول) (narges.ghasemi64@gmail.com).
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم (svrahimi@yahoo.com).
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم (kr.setayesh@gmail.com).

در دومین مرحله با ظهور مخالفت‌ها و شبهه‌افکنی‌ها، با ارائه احتجاجات روشن، به تخریب پایه‌های استدلالی مشرکان و تبیین نبوت و اثبات حقانیت آن از بعد شناختی پرداخته است و در مرحله سوم بعد از دوران مدنی با تبیین جایگاه حقیقی پیامبر ﷺ در جهت تعمیق و عملیاتی ساختن نبوت‌باوری از طریق تبیین وظایف عملی در مقابل پیامبر ﷺ و رفتارسازی مبتنی بر ولایت‌پذیری، در جهت تحقق اهداف رسالت گام برداشته است.

واژگان کلیدی: تحول‌آفرینی، انکار نبوت، طرح نبوت پیامبر ﷺ، تبیین

نبوت‌باوری، تعمیق نبوت‌باوری.

مقدمه

قرآن کریم در طی ۲۳ سال نزول تدریجی، باور مشرکان را در ابعاد مختلف و از جمله مسئله نبوت دگرگون، و با نهادینه‌سازی باور نبوت، ظرفیت‌های تحول‌آفرین خویش را نمایان ساخت.

رخداد تحول در ساحت نبوت‌باوری در میان مخاطبان اولیه قرآن، گرچه امری مسلم است، اما اینکه این فرایند طی چه مراحل در قرآن دنبال شد و روش قرآن برای تحول‌بخشی در بُعد نبوت‌باوری و گذار از مرحله تکذیب پیامبر ﷺ به یقین به پذیرش ولایت تام او چه بود، مسئله‌ای است که بدان پرداخته نشده است. پرداختن به این مسئله و کشف روش قرآن در تحول‌آفرینی، در گرو اتخاذ روشی متناسب با هدف پژوهش است. با توجه به نزول تدریجی آیات و تناسب مضامین سوره‌ها با جامعه مخاطب، مطالعه آیات در چارچوب سبک تنزیلی - موضوعی، رویکردی مناسب برای فهم فرایند این تحول و استخراج روش خاص قرآنی در این تحول‌آفرینی است. روش تنزیلی - موضوعی، به دنبال کشف جریان تحول فرهنگی و دینی جامعه عصر پیامبر ﷺ با بررسی موضوعات کلیدی قرآن بر اساس ترتیب نزول آیات است. در این روش، گزاره‌های پیرامون موضوع از آغاز تا پایان در دو برش طولی (سیر نزول) و برش عرضی (سیاق قبل و بعد هر آیه) بررسی می‌شوند (سلیمی، ۱۳۹۸: ۴).

با وجود گستردگی نگارش‌ها پیرامون نبوت، بسیاری از پژوهش‌هایی که با محوریت آیات قرآن به بحث نبوت پرداخته‌اند، نظیر تفاسیر موضوعی حاضر از جمله مفاهیم القرآن

آیه‌الله سبحانی (مجلدات سوم و چهارم)، پیام قرآن آیه‌الله مکارم شیرازی (مجلدات هفتم و هشتم)، بخشی از جلد سوم و نهم تفسیر موضوعی آیه‌الله جوادی آملی، و بخش چهارم و سوم معارف قرآن آیه‌الله مصباح یزدی، با رویکرد ترتیب نزول و از بعد روشی، مباحث نبوت پیامبر ﷺ را دنبال نکرده‌اند. عمده مباحث در این تفاسیر مربوط به مباحث پیرامون ضرورت نبوت، نبوت عامه و خاصه، رسالت جهانی پیامبر ﷺ، امی بودن پیامبر ﷺ، خاتمیت و زندگی ایشان است. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که با رهیافت ترتیب نزول، به بعد تحول‌بخشی قرآن پرداخته‌اند، هیچ کدام به صورت مشخص، روند تحول‌آفرینی قرآن را در بعد نبوت‌باوری بررسی نکرده‌اند. برخی چون مهدی بازرگان در کتاب سیر تحول قرآن به بحث تحول در ابعادی غیر از بعد اعتقادی پرداخته و برخی نیز چون عبدالکریم بهجت‌پور در همگام با وحی با رویکرد تفسیری به تحول‌آفرینی قرآن در ابعاد مختلف به صورت کلی اشاره کرده‌اند. اما اینکه قرآن در چه فرایندی و با طی چه مراحل توانست باور نبوت را در مشرکان ایجاد کرده و نهادینه سازد، مسئله این پژوهش است.

مراد از ترتیب نزول در این پژوهش، ترتیب سوره‌ها طبق روایت ابن عباس از میان روایات ۱۴ گانه است که تنها روایتی است که راویان آن همگی موثق هستند (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۳۵) و تکمیل آن مطابق روایت جابر بن زید با تصحیح از روی نسخه‌های متعدد قابل اعتماد صورت یافته است (معرفت، ۱۴۲۸: ۱۳۴/۱).

شایان ذکر است از آنجا که فرایند تحول‌بخشی قرآن در این پژوهش به صورت کلان در سه مرحله اصلی سامان یافته است، حتی در نظر گرفتن اختلاف روایت‌ها، در عمل جایگاه سوره را از یک مرحله به مرحله دیگر تغییر نمی‌دهد و منجر به نتیجه متفاوتی نخواهد شد.

بر پایه مطالعه حاضر در چارچوب سبک تنزیلی - موضوعی و بر مبنای محتوای آیات کلیدی پیرامون نبوت و توجه به قرائن درون‌آیه‌ای و سیاق آیات، سه مرحله اصلی در فرایند تحول‌سازی قرآن در باورهای مذکور به دست آمد. بین این مراحل، مرزبندی دقیقی وجود ندارد؛ با وجود این، شاخص‌هایی به دست آمد که بر اساس آن‌ها، تمایز مراحل سه‌گانه به خوبی روشن است و بر اساس آن‌ها می‌توان مرحله اول را طرح مسئله نبوت،

مرحله دوم را تبیین و اثبات نبوت و مرحله سوم را تثبیت و تعمیق نبوت نام گذاری کرد.

۱. مرحله اول: طرح نبوت پیامبر اسلام ﷺ

شناخت دیدگاه کلی عرب جاهلی نسبت به نبوت از دو زاویه قابل بررسی است: نخست خود مسئله نبوت که از این منظر دیدگاه عرب جاهلی به روشنی مشخص نیست. به اجمال می توان ادعا کرد که اعراب، برخی از پیامبران ادیان آسمانی را می شناختند و بنا به آنچه از تألیفات بعد از اسلام به دست می آید (علی، ۱۴۲۲: ۱۰۱/۱۱)، از وجود پیامبرانی که خاستگاهشان شبه جزیره عربستان بوده، محروم نبوده اند (همان: ۸۳/۱۱). به علاوه بنا به گزارش های مربوط به دوران جاهلیت، وجود پیروان ادیان دیگری چون یهود (همان: ۸۷/۱۲) و مسیحیان در جزیره العرب و حتی حجاز پیش از ظهور اسلام مسلم است (بلاذری، ۱۳۳۷: ۸۹). با این حال، اینکه موضع اعراب در برابر امر نبوت چه بوده، از منابع تاریخی روشن نیست.

زاویه دوم، مسئله ذهنیت غالب عرب یعنی مشرکان در مورد شخص پیامبر اسلام قبل از بعثت است که از این زاویه، دیدگاه آن ها کاملاً روشن است. مشرکان محمد ﷺ را به نیکی می شناختند، او را امین می دانستند و برایش احترامی ویژه قائل بودند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۲۵: ۲۲۵/۲؛ اربلی، بی تا: ۱۳۱/۲).

فرایند تحول در باور به نبوت را باید با توجه به این دو نکته شروع کرد. در سوره های نخستین قرآن با توصیف پیامبر ﷺ و بیان اجمالی از حقانیت رسالت ایشان و ترسیم جایگاه پیروان و تکذیب کنندگان او، زمینه را برای پذیرش باور نبوت فراهم می آورد. عناوین زیر، مهم ترین مباحث مطرح شده در مرحله نخست فرایند تحول بخشی است که در این مرحله به اجمال مطرح می شود و در مراحل بعد تبیین و تعمیق می گردد.

۱-۱. معرفی پیامبر ﷺ

در سوره علق (ش ن ۱) پیامبر ﷺ مأمور می شود به نام پروردگارش بخواند. این امر

۱. این حروف، علامت اختصاری برای نشان دادن شماره سوره به ترتیب نزول است که در سرتاسر مقاله استفاده شده است. بر این اساس، ش ن ۱ تا ۴۱ مربوط به سوره های مرحله اول، ش ن ۴۲ تا ۸۷ مربوط به مرحله دوم، و ش ن ۸۸ تا ۱۱۴ مربوط به مرحله سوم فرایند تحول بخشی است.

الهی، آغاز رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله است. در آیات ۱ تا ۳ سوره قلم (ش ن ۲)، خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله با سوگند تأکید می‌کند:

«به لطف و نعمت پروردگارت، تو مجنون نیستی و برای تو پاداشی بزرگ و همیشگی است و تو اخلاق عظیم و برجسته داری».

بعد از سوره قلم، در سوره نجم (ش ن ۲۳) بار دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله به زیباترین بیان توصیف می‌شود:

«سوگند به اختر [قرآن] چون فرود می‌آید * [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده * و از سر هوس سخن نمی‌گوید * این سخن به جز وحی که وحی می‌شود نیست * آن را [فرشته] شدیدالقوی به او فرا آموخت * [سروش] نیرومندی که [مسلط] در ایستاد * در حالی که او در افق اعلی بود * سپس نزدیک آمد و نزدیک تر شد * تا [فاصله‌اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیک تر شد * آنگاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند، وحی فرمود * آنچه را دل دید، انکار [ش] نکرد * آیا در آنچه دیده است، با او جدال می‌کنید * قطعاً بار دیگری هم او را دیده است * در همانجا که جنّة المأوی است * آنگاه که درخت سدر را آنچه پوشیده بود، پوشیده بود * دیده [اش] منحرف نگشت و [از حدّ] درنگذشت * به راستی که [برخی] از آیات بزرگ پروردگار خود را بدید».

مضامین این آیات، ارتباط مستقیم با مسئله وحی دارد. در آغاز از حقیقت وحی و تماس مستقیم پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرئیل سخن می‌گوید و ساحت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله را از اینکه چیزی جز وحی الهی بگوید، میرا می‌کند و در بخش دوم از معراج ایشان سخن گفته و گوشه‌هایی از آن را در عباراتی پرمعنا مجسم می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲/۴۴۳-۴۷۴).

در سوره‌های بعد، این توصیفات ادامه می‌یابد. این توصیفات که اغلب در صدد بیان جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان فرستاده الهی است، به روشنی از موضع سخت مشرکان در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله از همان ابتدای اعلام رسالت حکایت دارد. در حالی که این موضع با آنچه از تاریخ در مورد شخصیت مورد قبول آن حضرت در دوران جاهلی گزارش شده، مغایر است.

این برخورد دوگانه، نشانگر آن است که مشرکان اساساً نه با شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله

بلکه با ادعای او درباره نزول وحی و محتوای آن مشکل داشتند و تمام اتهامات و اشکال تراشی‌ها نیز به همین امر باز می‌گشت.

۲-۱. حقانیت رسالت پیامبر ﷺ

در آیه ۱۵ مزمل (ش ۳) خداوند خود حقانیت رسالت پیامبر ﷺ را تصدیق و او را گواه بر اعمال مردم معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۶۸/۲۰). در آیه ۱۵۷ اعراف (ش ۳۹) اوصافی برای پیامبر ﷺ ذکر می‌شود که به عنوان دلایل حقانیت دعوت پیامبر ﷺ تبیین شده است: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾.

این آیه با محتوای خود مبنی بر امی بودن پیامبر ﷺ و در عین حال، آوردن کتابی با عظمت در بیان و تعلیمات، ذکر دلایل نبوت در کتب آسمانی پیشین، سازگاری محتویات دعوت پیامبر ﷺ با عقل و خرد و هماهنگی آن با فطرت، نقش پیامبر ﷺ در گسستن غل و زنجیرهای جهل و خرافات از بشریت، بر حقانیت رسالت و الهی بودن دعوت او اشاره دارد.

۳-۱. جایگاه تبعیت کنندگان از پیامبر ﷺ

آیه ۱۵۷ اعراف (ش ۳۹) در توصیف تبعیت کنندگان از پیامبر ﷺ بیان می‌کند: «پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری‌اش کردند و نوری را که با او نازل شده است، پیروی کردند، آنان همان رستگاران‌اند».

این توصیف به روشنی رستگاری را در گرو تبعیت از پیامبر ﷺ و همراهی او بیان می‌کند. به این مطلب در مرحله سوم فرایند تحول آفرینی، به صورت گسترده پرداخته می‌شود.

۴-۱. هشدار به مخالفان پیامبر ﷺ

آیات ابتدایی سوره قمر (ش ۳۷) با اشاره به معجزه شق القمر که بنا به مطالبه مشرکان انجام شد (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۲۱۱/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۸۲/۹)، به تکذیب این معجزه از

سوی مشرکان تصریح می‌کند. در سرتاسر این سوره، از لجاجت مشرکان در مخالفت پیامبر ﷺ و عذاب اقوام گذشته به سبب تکذیب پیامبرانشان سخن گفته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۵/۱۹). تکرار چند باره عبارات ﴿فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي﴾ و ﴿لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ در این سوره، نشان از محتوای هشدار آیت‌ها دارد. آیات ۱۱ تا ۱۴ مزمل (ش ۳)، ۲۶ تا ۳۱ مدثر (ش ۴)، ۸ تا ۱۱ ص (ش ۳۸)، نیز به عذاب تکذیب‌کنندگان رسالت پیامبر ﷺ و پیام او اشاره دارند.

آنچه بیان شد، اجمالی از فرایند ایجاد باور به نبوت در جامعه شرک‌آلود مکه در مرحله نخست تحول‌بخشی است. این مرحله که از بُعد انگیزشی، جامعه را برای ورود به مرحله شناختی آماده می‌سازد، سبب شد آنان که آمادگی روحی بیشتری دارند، دعوت به رسالت پیامبر ﷺ را بپذیرند. بعد از این مرحله، جامعه به دو گروه اصلی تقسیم شد؛ دسته اول جامعه ایمانی و همراه پیامبر ﷺ که بیشتر از طبقات محروم بودند، و دسته دوم جامعه مشرکان لجوج که اغلب از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند و با تشکیل نخستین جامعه ایمانی و احساس خطر از دست رفتن منافعشان، کارشکنی‌ها و مخالفت‌های خود را در مقابل پیامبر ﷺ گسترده‌تر و سازمان‌یافته‌تر کردند.

۲. مرحله دوم: تبیین نبوت پیامبر ﷺ

بعد از مرحله اول که ناظر به آماده‌سازی عموم مخاطبان برای پذیرش رسالت پیامبر ﷺ با محوریت توصیف پیامبر ﷺ است، با تشدید مخالفت‌ها در برابر این رسالت، فرایند ایجاد باور نبوت وارد مرحله جدیدی می‌شود. مقصد اصلی در این مرحله، اقناع ذهنی مخاطب برای پذیرش رسالت پیامبر ﷺ از طریق پاسخگویی به شبهات و دفاع از پیامبر ﷺ در برابر انواع تهمت‌ها و رفع هر گونه دستاویز از بعد شناختی در جهت اثبات حقایق نبوت ایشان است.

سوره فرقان (ش ۴۲) نخستین سوره با بیشترین استدلالات در پاسخ به شبهات متعدد مشرکان پیرامون نبوت پیامبر ﷺ است. علامه غرض این سوره را بیان این حقیقت می‌داند که دعوت رسول خدا ﷺ، دعوتی حق و ناشی از رسالت آن حضرت از جانب خداوند است و به همین دلیل در آن به دفع ایرادهای کفار بر نبوت ایشان و نزول

کتابش از جانب خدا عنایت ویژه شده است (همان: ۱۷۲/۱۵). با این بیان، این سوره نقطه عطفی در بررسی فرایند تحول‌سازی قرآن در امر نبوت بوده و مناسب است که آغاز مرحله دوم تحول‌بخشی از این سوره لحاظ و بررسی شود. بر اساس هدف این مرحله، سه اقدام اساسی در جهت حقانیت پیامبر ﷺ در این مرحله صورت می‌گیرد.

۱-۲. مقابله با دلایل ظاهری انکار نبوت

دلایل ظاهری در واقع همان شبهاتی هستند که منکران برای فرار از پذیرش رسالت پیامبر ﷺ با تمسک به آن‌ها اذهان عوام را منحرف ساخته و بدین‌گونه مخالفت خود را عقلانی جلوه می‌دادند. از نخستین اقدامات در تحول‌بخشی باورها، شناسایی این دلایل و تخریب پایه‌های آن جهت بازگشایی عرصه برای ورود باور جدید است. مقابله قرآنی در برابر این شبهات به طور عمد به دو بخش آگاهی‌بخشی و هشدار تقسیم می‌شود؛ بخش نخست، روش هدایتی خداوند برای عموم مردم است و از منظر معرفتی، مشرکان را از سستی دلایلشان آگاه می‌سازد و بخش دوم، پاسخ کوبنده خداوند به منکران لجاجی است که با انواع شبهه‌افکنی‌ها در مقابل دلایل نبوت ایستاده‌اند. استفاده از این رویکرد به عنوان پشتوانه مباحث استدلالی و درمان‌های تکمیلی خداوند قابل بررسی است^۱ (میدانی، ۱۳۶۱: ۱۱/۳).

۱-۱-۲. افترا بستن به خدا

آیه ۴ فرقان (ش ۴۲) از گفتار مشرکان در مورد قرآن چنین خبر می‌دهد:
«کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: این [کتاب] جز دروغی که آن را برافته [چیزی] نیست، و گروهی دیگر او را بر آن یاری کرده‌اند».

در آیات متعدد دیگر نیز از این ادعای بی‌شرمانه سخن گفته می‌شود.^۲ بر اساس این شبهه، از منظر مشرکان، آنچه پیامبر ﷺ به عنوان وحی بر مردم می‌خواند،

۱. رجوع به جداولی که برای این مرحله تنظیم شده است، به روشنی گویای حجم وسیع آیات انذار در این دوره است.

۲. یونس / ۳۸ (ش ۵۱)؛ هود / ۱۳ (ش ۵۲)؛ احقاف / ۸ (ش ۶۶)؛ نحل / ۱۰۲ (ش ۷۰)؛ طور / ۳۳ (ش ۷۶)؛ حاقه / ۴۷-۴۴ (ش ۷۸).

نه کلام الهی، بلکه گفتاری غیر الهی است که در قالب وحی عرضه می‌شود. این شبهه را می‌توان با سخن منکران درباره سحر، افسانه و شعر خواندن قرآن در یک جهت تحلیل کرد. در واقع سحر، افسانه و شعر، قالب‌هایی هستند که مشرکان برای سخن غیر وحیانی پیامبر ﷺ نام‌گذاری کرده‌اند و از این طریق در قالب‌های مختلف، سعی در تشویش اذهان عموم جامعه داشتند. رویکرد قرآن در مقابله با این اتهام‌ها در دو بُعد قابل بررسی است:

الف) آگاهی بخشی

مهم‌ترین پاسخ‌های قرآنی که با رویکرد آگاهی‌بخشی برای مقابله با اتهام‌ها در این مرحله ارائه می‌شود، موارد زیر است:

۱- محتوای قرآن، نشانه فرابشری بودن آن: عبارت ﴿أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (فرقان/ ۶) (شن ۴۲) در پاسخ به اتهام افترا، از منظر بسیاری از مفسران بدین معناست که قرآن با محتوای خود از نظام آفرینش و معجزات علمی و...، نمایشگر علمی فراتر از علم بشری و گواهی بر فرابشری بودن این کتاب است (قشیری، ۲۰۰۰: ۶۲۷/۲؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۴۲۴/۴؛ حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۹/۴۲۶).

۲- مبارزه طلبی: استفاده از آیاتی با رویکرد تحدی در این مرحله، ابزاری است که گرچه به طور مستقیم در مقام اعطای شناخت نیست، اما از آنجا که سبب شناخت اعجاز قرآن و درک ناتوانی بشر در همانندآوری این کتاب می‌گردد، در زمره روش‌های شناختی قابل تحلیل است. به این آیات در بحث اثبات نبوت پیامبر ﷺ اشاره خواهد شد.

۳- تبیین وظیفه پیامبر ﷺ در مقابل منکران: آیه ۱۰۶ انعام (شن ۵۵) محدوده وظیفه پیامبر ﷺ را بیان می‌کند:

«از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن... و از مشرکان روی بگردان.»

این آیه به مشرکان این آگاهی را می‌دهد که وظیفه پیامبر ﷺ در برابر اتهامات آنان، تبعیت از وحی و بی‌اعتنایی به اتهامات تکذیبگران است (مکارم شبیرازی، ۱۳۷۱: ۳۹۱/۵؛ میدانی، ۱۳۶۱: ۱۱/۳۷۴)، نه پاسخگویی به انواع بهانه‌جویی‌های ایشان و از این رو، این بر

عهده خود آنهاست که این پیام هدایت‌بخش را بپذیرند یا با لجاجت، خود را از آن محروم سازند:

۴- لزوم دفاع خداوند از خود: در این پاسخ قرآنی، به مشرکان آگاهی داده می‌شود که در صورت صحت ادعای ایشان مبنی بر افترای پیامبر ﷺ بر خداوند، لازم است که خداوند از خود در برابر این اتهام دفاع کند. پس عدم دفاع خداوند، گواه بر صدق ادعای پیامبر است. آیه ۸ سوره احقاف (ش ۶۶) در خطاب به پیامبر ﷺ بر این نکته تأکید دارد:

«به آن‌ها بگو: اگر دروغ بسته باشم، لازم است خدا مرا رسوا کند و شما نمی‌توانید در برابر خداوند از من دفاع کنید».

۵- تشابه پیامبران و برنامه‌هایشان: بیان همانندی پیامبر اسلام با پیامبران پیشین و پیوستگی رسالت پیامبران در آیه ۹ سوره احقاف (ش ۶۶)، از دیگر پاسخ‌های قرآنی در مقابله با اشکال نخست است:

«من از [میان] پیامبران، نودرآمدی نبودم و نمی‌دانم با من و با شما چه معامله‌ای خواهد شد...».

این آیه با واداشتن مشرکان به دقت در احوال پیامبر ﷺ و محتوای رسالتش تأکید دارد که پیامبر ﷺ با سایر انبیا، نه به لحاظ شخص و ادعای رسالت و نه به لحاظ محتوای رسالت تفاوتی ندارد و ادعایش برای رسالت چیز غریبی نیست که سبب انکار شود (خطیب، ۱۴۲۴: ۱۳/۲۸۶-۲۸۷).

۶- عربی بودن قرآن: تکیه بر عربی بودن زبان قرآن در آیه ۱۰۳ سوره نحل (ش ۷۰) پاسخ دیگری به افترازنندگان است:

«ما می‌دانیم که آن‌ها می‌گویند این آیات را انسانی به او تعلیم می‌دهد. در حالی که زبان کسی که [این] نسبت را به او می‌دهند، غیر عربی، و این [قرآن] به زبان عربی روشن است».

در تفاسیر افراد مختلفی چون بلعام رومی، یعیش رومی یا سلمان فارسی و... مصداق کسی بیان شده است که مشرکان ادعا می‌کردند پیامبر ﷺ آیات را از او

فرامی‌گیرد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۹/۱۴-۱۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۹۵/۶). در این گزاره استدلال می‌شود که چگونه ممکن است یک اعجمی که زبان عربی را خوب نمی‌داند، کلامی به زبان عربی بیافریند که شما قادر به آوردن مثل آن نباشید (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۰۳/۱۳). این پاسخ، بیان فصیح قرآن به زبان عربی را گویاترین دلیل بر القا نشدن آن توسط فردی غیر عرب بر پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر می‌کند.

۷- **لجاجة بر تکذیب:** آیه ۷ انعام (ش ۵۵) در پاسخ به تقاضای جمعی از بت‌پرستان که به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: ما تنها در صورتی ایمان می‌آوریم که نامه‌ای از طرف خداوند با چهار فرشته بر ما نازل کنی! (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۴۳۵/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۲۸/۳)، بیان می‌کند:

«اگر همان طور که آن‌ها تقاضا کردند، نوشته‌ای بر صفحه‌ای از کاغذ و مانند آن بر تو نازل کنیم و علاوه بر مشاهده کردن، با دست خود نیز آن را لمس کنند، باز می‌گویند: این یک سحر آشکار است!».

این آیه مشرکان را نسبت به حقیقت درونی‌شان آگاه، و با این بیان بر شدت استکبار این قوم تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸/۷؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۴۱/۵).

ب) هشدار به عذاب الهی

در کنار استفاده از رویکرد آگاهی‌بخشی، قرآن در آیه ۳۹ سوره یونس (ش ۵۱) با لحن هشداری بیان می‌کند:

«مشرکان چیزی را انکار کردند که آگاهی از آن نداشتند و هنوز واقعیتش برای آنان روشن نشده بود».

سپس با بیان تشابه این عمل با تکذیب‌های بدون علم گذشتگان، ایشان را به تفکر در فرجام پیشینیان ستمکار دعوت می‌کند و بدین طریق آنان را نسبت به آینده دردناکی همچون گذشتگان تکذیبگر انداز می‌دهد.

۲-۱-۲. درخواست معجزات گوناگون

درخواست معجزات پیشنهادی اغلب مادی، از دیگر بهانه‌های مشرکان بود که بخشی از آیات مرحله دوم به آن می‌پردازد. در آیه ۸ سوره فرقان (ش ۴۲) خداوند به

این کلام مشرکان اشاره می کند که اگر محمد واقعاً فرستاده خداست، چرا گنجی برای او افکنده نشده یا باغی ندارد که از آن بخورد؟ آیات ۹۰ تا ۹۳ اسراء (شن ۵۰) نیز ناظر به این درخواست های بهانه جویانه است. قرآن با دو رویکرد به مقابله با این بهانه جویی ها برمی خیزد:

الف) آگاهی بخشی

بخش عمده ای از پاسخ های قرآنی به درخواست های گوناگون مشرکان به بُعد آگاهی بخشی اختصاص دارد:

۱- انحصار معجزه در اختیار خدا: در این پاسخ به تکذیبگران چنین آگاهی داده می شود که معجزه امری در اختیار و قلمرو توانایی پیامبر نیست، بلکه در اختیار خداست و تنها او قادر است که هر وقت و هر گونه اراده کند، برای بندگانش آیت و معجزه ای نازل کند (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۸۹/۱۱).

۲- بالاترین معجزه: آیه ۵۱ عنکبوت (شن ۸۵) در پاسخ به درخواست جسورانه مشرکان، خطاب به پیامبر ﷺ در استفهامی انکاری (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴۰/۱۶) با تأکید بر قرآن به عنوان معجزه انکارناپذیر پیامبر ﷺ می فرماید:

«آیا برای ایشان بس نیست که این کتاب را که بر آنان خوانده می شود، بر تو فرو فرستادیم؟».

۳- لجاجت بر تکذیب: آیه ۱۱۱ انعام (شن ۵۵) با تأکید بر عدم ایمان مشرکان حتی در صورت پذیرش درخواست هایشان، به روشنی نشانگر این واقعیت است که درخواست های مکرر کافران برای نزول معجزات حسی به قصد ایمان آوردن نیست؛ بلکه دستاویزی است در جهت آلوده کردن فضای ذهنی و تزلزل آفرینی در گام های آنان که انگیزه و آمادگی پذیرش این دعوت را دارند (کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۲۰۷/۳).

ب) هشدار به عذاب الهی

در آیه ۲۰ یونس (شن ۵۱) خداوند در مقابله با کسانی که در برابر انواع معجزات تسلیم نشده اند، به پیامبر ﷺ امر می کند که به ایشان بگوید:

«اکنون که شما دست از لجاجت بر نمی‌دارید، در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم».

استفاده از این نوع ساختار تهدیدی، در همان حال که حدود وظیفه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تبیین می‌کند، هشداری به کافران است که این عناد و لجبازی فقط به ضرر خودشان است و باید منتظر باشند تا ببینند که در آینده، چگونه به سبب آن در هم کوبیده می‌شوند (قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ۴/۳۶۷).

۲-۱-۳. عدم نزول دفعی قرآن

یکی از بهانه‌های مشرکان برای نپذیرفتن محتوای وحی، اعتراض به نزول تدریجی قرآن بود. علامه در تقریر اعتراض کافران ذیل عبارت «لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً» (فرقان / ۳۲) (شن ۴۲) بیان می‌کند که مشرکان با طرح این سؤال، در اصل آسمانی بودن و حقانیت قرآن، شبهه وارد می‌کردند و با این بیان، در صدد القای این مطلب بودند که ادعای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر وحیانی بودن کتاب قرآن، ادعایی کاذب است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۲۰۹-۲۱). در مقابله با این سؤال بهانه‌جویانه، خداوند با دو پاسخ، دلیل و حکمت این نوع نزول را بیان می‌کند:

۱- تثبیت قلب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: آیه ۳۲ سوره فرقان (شن ۴۲) در بیان علت نزول تدریجی قرآن می‌فرماید: «كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً». این آیه که نشانگر تأثیر نزول تدریجی بر آرامش قلب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رسالت خطیرش به عنوان ابلاغ‌کننده پیام الهی است، در زمره روش‌های مقابله شناختی، قابل تحلیل است.

۲- هدایت و تربیت مردم: آیه ۱۰۶ اسراء (شن ۵۰) فلسفه نزول تدریجی قرآن بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را امکان بازخوانی همراه با تانی و آرامی بر مردم بیان می‌کند: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنُزِّلْنَاهُ تَرْتِيلاً».

بنا به این بیان، نزول تدریجی آیات قرآن، در جهت تکمیل استعداد مردم در تلقی معارف الهی، و به مقتضای مصالح بشر و برای آن است که علم قرآن مقارن با عمل به آن و به گونه‌ای باشد که طبع بشر توانایی درک معارف را داشته باشد (همان: ۱۳/۲۲۰).

شماره مصحف	شماره نزول	شماره آیه	نام سوره	روش مقابله		موضوع شبهه
۲۵	۴۲	۶	فرقان	قرآن نشانه علم خدا	آگاهی بخشی	اتهام به پیامبر
۲۸	۴۹	۴۹	قصص	مبارزه طلبی		
۱۰	۵۱	۳۸	یونس			
۵۲	۷۶	۳۴	طور			
۶	۵۵	۱۰۵	انعام	تبیین وظیفه پیامبر		
۴۶	۶۶	۱۰-۹	احقاف	همانندی پیامبران		
۱۶	۷۰	۱۰۳	نحل	توجه به تفاوت زبان		
۴۶	۶۶	۸	احقاف	لزوم دفاع خداوند از وحی		
۶۹	۷۸	۴۷-۴۴	حاقه			
۲۸	۴۹	۵۰	قصص	لجاجت بر تکذیب		
۶	۵۵	۸-۷	انعام			
۵۱	۶۷	۵۳-۵۲	ذاریات			
۱۰	۵۱	۳۹	یونس	تهدید به عذاب	هشدار	
۱۰	۵۱	۲۰	یونس	انحصار معجزات در قلمرو اختیار خدا	آگاهی بخشی	درخواست معجزات از پیامبر
۶	۵۵	۱۰۹	انعام			
۲۹	۸۵	۵۰	عنکبوت	قرآن بالاترین معجزه		
۱۷	۵۰	۵۹	اسراء	لجاجت بر انکار		
۱۵	۵۴	۱۵-۱۴	حجر			
۶	۵۵	۱۱۱-۱۱۰	انعام			
۱۰	۵۱	۲۰	یونس	تهدید به عذاب الهی		
۶	۵۵	۱۲۴	انعام			
۲۵	۴۲	۳۲	فرقان	تثبیت قلب پیامبر	آگاهی بخشی	عدم نزول دفعی قرآن
۱۷	۵۰	۱۰۶	اسراء	هدایت و تربیت مردم		

۲-۲. مقابله با دلایل اصلی انکار نبوت

مطالعه آیات قرآن نشان می‌دهد که ریشه انکار نبوت پیامبر ﷺ از سوی مشرکان، غیر از استدلال‌های ظاهری است که از جانب ایشان طرح می‌شده است. دلایل زیر،

علل اصلی انکار رسالت پیامبر ﷺ است که در مرحله دوم فرایند تحول بخشی بیان شده است.

۲-۱. باور به عدم امکان اتصال نوع بشر به خدا

آیه ۹۵ سوره اسراء (ش ۵۰) بعد از بیان برخی بهانه‌های مشرکان در مقابل پذیرش رسالت پیامبر ﷺ تصریح می‌کند:

«تنها چیزی که بعد از آمدن هدایت، مانع شد مردم ایمان بیاورند، این بود که گفتند: آیا خداوند بشری را به عنوان رسول فرستاده است».

این آیه، گویای منشأ شبهات وارد شده بر پیامبر ﷺ است؛ همچنان که قرابت و همنشینی واژه‌های «إفك مفتری، سحر و جنون» در آیات ۴۳ تا ۴۶ سبأ (ش ۵۸) و واژه‌های «کاهن، مجنون، شاعر و افتراء» در آیات ۲۹ تا ۳۴ طور (ش ۷۶) و همچنین «شاعر، کاهن و افتراء» در آیات ۴۱ تا ۴۴ حاقه (ش ۷۸) نیز می‌تواند گویای این امر باشد که همه این عناوین، مصادیق مختلف از مفهوم سخن غیر وحیانی است که دلالت بر عدم قبول ارتباط پیامبر ﷺ با خدا دارد.

با این توضیح، تمام شبهات مشرکان را می‌توان در یک استدلال چنین صورت‌بندی کرد:

مقدمه اول: هیچ انسانی نمی‌تواند با خدا رابطه برقرار کند و از جانب او پیام آورد.

مقدمه دوم: اگر کسی چنین ادعایی کرد، بر خدا دروغ بسته و پیامش دروغ، سحر، شعر و... است.

نتیجه: پس پیامبر ﷺ، شاعر، ساحر، دروغگو و... است و پیامش ساخته خود اوست.

توضیح مقدمه اول آنکه دیدگاه مشرکان درباره فرستادگان خدا این بود که پیامبران در واقع سفیران بین خدا و مردم هستند و شایسته است که در سطحی بالاتر از سطح بشر باشند (خطیب، ۱۴۲۴: ۵۵۱/۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹۸/۱۵). در آیه ۷ سوره فرقان (ش ۴۲) این پندار در قالب جمله‌ای استفهامی چنین بیان می‌شود: ﴿مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ...﴾.

این باور نادرست از انسان و ارتباط او با خداوند، منجر به تصدیق گزاره دوم می‌شود که اگر کسی ادعای ارتباط مستقیم با خدا و دریافت پیام از او را داشته باشد، قطعاً دروغ می‌گوید. بر مبنای این استدلال، مشرکان نتیجه می‌گرفتند محمد ﷺ که ادعای ارتباط با خدا و شنیدن وحی دارد، دروغ می‌گوید و این کتاب چیزی جز سحر، شعر یا افسانه پیشینیان نیست.

علامه در تبیین وجه استفهام تعجبی مشرکان از خصوصیات رفتاری پیامبر ﷺ، با پیوند دادن این گفتار به اعتقاد وثنی مذهب‌ان بیان می‌کند که وثنی مذهب‌ان اتصال به غیب را برای بشر به دلیل وجود مادی ممکن نمی‌دانستند و معتقد بودند که اگر رسالتی از جانب خداوند باشد، تنها ملائکه که مقربان نزد خداوند، شایسته آن‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸۴/۱۵). این کلام، بیانگر تأثیر جهان‌بینی مشرکان اعراب در نگرششان نسبت به رسالت پیامبر ﷺ است. قرآن در مقابله با این تفکر باطل، از هر دو رویکرد آگاهی‌بخشی و هشدار می‌استفاده می‌کند:

الف) آگاهی‌بخشی

اعطای بینش، بخشی از پاسخ قرآنی در مقابله با نوع تفکر مشرکان درباره عدم امکان ارتباط بشر با خداوند است:

۱- انبیاء از جنس بشر: توجه دادن به عمومیت خصوصیات ظاهری همه پیامبران در آیه ۲۰ فرقان (شن ۴۲)، پاسخی استدلالی با استناد به تجربه تاریخی حضور انبیا در میان امت‌هاست که با توجه به غلبه حس‌گرایی مشرکان، روشی ساده در جهت هدایتشان برای پذیرش رسالت پیامبر ﷺ تحلیل می‌شود:

«ما پیش از تو پیامبران [خود] را نفرستادیم، جز اینکه آنان [نیز] غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند».

۲- لزوم سنخیت پیامبر با پیروان: آیه ۹۵ سوره اسراء (شن ۵۰) به این اشکال چنین پاسخ می‌دهد:

«... اگر در روی زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان راه می‌رفتند، البته بر آنان [نیز] فرشته‌ای را به عنوان پیامبر از آسمان نازل می‌کردیم».

مفسران پاسخ قرآن در این آیه را تأکید بر لزوم سنخیت هر پیامبر و دعوت کننده‌ای با مخاطبان خود تفسیر می‌کنند (طبرانی، ۲۰۰۸: ۱۴۰/۴؛ ماوردی بصری، بی‌تا: ۲۷۴/۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۵۵/۳) و در ضرورت آن توضیح می‌دهند که پایه ایمان بر محور خصوصیات بشری شکل می‌گیرد و اگر ملائکه پیام‌آوران الهی باشند، مردم احتجاج خواهند کرد که قدرت آن‌ها در تحصیل ایمان و کسب فضایل و اخلاق در زندگی، همچون ملائکه نیست (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۳۴/۱۴-۲۳۵).

ب) هشدار به نزول عذاب با فرشتگان

در آیه ۲۲ فرقان (شن ۴۲) در پاسخ به درخواست مشرکان در مورد نزول فرشتگان می‌فرماید:

«... روزی که فرشتگان را ببینند، آن روز برای گناهکاران بشارتی نیست و می‌گویند: دور و ممنوع [از رحمت خدا]».

این آیه، امکان دیدن فرشتگان را برای مشرکان به زمان مقرر آن یعنی قیامت و خروج از قبور منوط می‌کند (بلخی، ۱۴۲۳: ۲۳۰/۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۵۳۴/۲) و با این بیان هشدار می‌دهد که در آن زمان، دیگر این دیدن نه نشانه رحمت و بشارت، بلکه سرآغاز عذاب اخروی است. آیات ۸ حجر (شن ۵۴) و ۸ انعام (شن ۵۵) نیز بر این امر تصریح دارند.

۲-۲-۲. باور به عدم امکان اعطای مقام پیامبری به محرومان دنیوی

در سطحی نازل‌تر، مشرکان گاه با پذیرش اصل ارتباط بشر با خدا، انتخاب محمد ﷺ را به عنوان فرستاده خدا با توجه نوع زیست و رفتار متواضعانه او، دور از ذهن و ناممکن می‌دانستند. در آیه ۸ سوره فرقان (شن ۴۲)، دلیل مشرکان بر دروغین بودن رسالت پیامبر ﷺ این چنین بیان می‌شود: ﴿... أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا...﴾. بنا بر این نگرش، شرط شایستگی پیامبر برای احراز این مقام، داشتن امکانات شاهانه است. در تحلیل ریشه این نگرش، نمی‌توان از تأثیر تفکر حس‌گرایانه و تعصب نژادی اعراب جاهلی غفلت کرد. حس‌گرایی مشرکان عرب و نداشتن تفکر عقلانی سبب می‌شد که برای ایشان، امتیازات دنیوی و ظاهری ملاک برتری باشد. در آیه ۳۱ سوره

زخرف (ش ۶۳) به اعتراض مشرکان مبنی بر عدم اعطای رسالت به شخصی از طوایف ثروتمند اشاره شده است. این بیان مشرکان، نشان از رسوخ عنصر طبقاتی در جامعه پیش از اسلام است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۳۳/۲۰). بنابراین به باور مشرکان، اگر مسئله وحی در رسالت را بتوان از منظر عقلی پذیرفت،^۱ واجب است که امر رسالت با توجه به نفوذ افراد ثروتمند و قدرت اثرگذاری شان بر مردم، به آن‌ها تعلق گیرد (همان).

عنصر عصبیت قومی، عامل دیگری است که می‌تواند در تحلیل رفتار عرب در مقابل پیامبر ﷺ مورد پردازش قرار گیرد. عرب جاهلی به سبب رقابت‌های قبیله‌ای و عصبیت قومی که حاکم بر رفتار اوست (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۱۱۴) نمی‌تواند برتابد که از بنی هاشم کسی ادعا کند از جانب خدا پیغام آورده است؛ ادعایی که پذیرش آن به معنای قبول وجه امتیازی برای هاشمیان است که قبایل دیگر چون بنی امیه در عین محروم بودن، امکان کسب این امتیاز و رقابت در این عرصه را ندارند. از این رو سعی می‌کنند با انکار این امتیاز، در رقابت‌های قبیله‌ای بازنده میدان برتری طلبی‌های قومی نباشند. قرآن با این عامل با دو رویکرد آگاهی‌بخشی و هشدارری به مقابله برمی‌خیزد:

الف) آگاهی‌بخشی

مهم‌ترین پاسخ‌های قرآنی با رویکرد آگاهی‌بخشی، موارد ذیل است:

۱- تعیین جایگاه رسالت، تنها در حوزه اراده الهی: رسالت شأن خاصی است که تشخیص شایستگی این مقام تنها در حوزه علم و اراده الهی است. در پاسخ به اعتراض مشرکان که چرا قرآن بر مردی ثروتمند از مکه یا طائف نازل نشد، آیه ۳۲ زخرف (ش ۶۳) در پرسشی انکاری (طوسی، بی‌تا: ۱۹۶/۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۴۸/۴) می‌فرماید:

«آیا آنان رحمت پروردگار را تقسیم می‌کنند».

چنان که گفته‌اند، مراد از رحمت در این آیه، امر نبوت است (قمی، ۱۳۶۳: ۲۸۳/۲؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲۵۶/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۱/۹) و این آیه در پاسخ به سخن ولید بن مغیره از قریش و کنانه بن عبد بن عمرو از طائف است که گفته بودند چرا قرآن بر یکی از مردان مکه و طائف نازل نشد؟ (طبری، ۱۴۱۲: ۴۰/۲۵).

۱. آنچنان که در شماره پیش توضیح داده شد که به اعتقاد وثنی مذهبیان، این امر از نظر عقلی پذیرفتنی نبود.

۲- عدم تشخیص در ملاک برتری: آیه ۳۳ زخرف (ش ۶۳) به اعتراض این گروه

چنین پاسخ می‌دهد:

«اگر نبود که می‌خواستیم مردم در یک نظام واحد قرار بگیرند، برای هر کس که به رحمان کفر بورزد، خانه‌هایی دارای سقفی از نقره قرار می‌دادیم و پله‌هایی که با آن بالا روند و.... چون همه این‌ها تنها بهره‌های زندگی دنیاست».

این بیان بدان معناست که درجات دنیوی بر خلاف تصور شما، ملاک برتری نیست؛ بلکه جایگاه هر کس در نظام اخروی، نشانه درجه منزلت اوست. از این رو در پایان آیه ۳۵ می‌فرماید:

«آخرت در نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است».

۳- قدرت خدا در اعطای بهترین امکانات به پیامبر ﷺ: در آیه ۱۰ فرقان (ش ۴۲)

بر قدرت خداوند در اعطای بالاترین امکانات به پیامبر ﷺ تأکید می‌شود. با این پاسخ می‌توان گفت که ملاک گزینش برای مقام رسالت، امری فراتر از پندار مشرکان بوده و نبودن این امکانات برای پیامبر ﷺ، نه به دلیل عدم قدرت خداوند یا عدم شایستگی پیامبر ﷺ بلکه به سبب بی‌اعتباری این امکانات در جایگاه رسالت است.

ب) هشدار به عذاب

در کنار استفاده از رویکرد آگاهی‌بخشی، در آیه ۹۶ سوره اسراء (ش ۵۰) در اعلام ختم مباحث مربوط به نبوت می‌فرماید:

«بگو: میان من و شما، گواه بودن خدا کافی است؛ چرا که او همواره به [حال] بندگانش آگاه بیناست».

تذکر پیامبر ﷺ به گواه بودن خداوند میان او و مشرکان، از یکسو به منزله اتمام حجت و تهدید برای حق‌ناپذیران و از سوی دیگر تسلی‌بخش پیامبر ﷺ است که خداوند نسبت به امور بندگانش آگاه است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۰/۱۸۵) و از سوی سوم، این گفتار قاطعانه که با نوعی تهدید ملایم نیز همراه است، اثر عمیق روانی در شنونده دارد و این امکان را توسعه می‌بخشد که بر قلب مشرکان اثر بگذارد و ایشان را به راه راست رهنمون سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۲۹۵).

۳-۲-۲. عدم باور به آخرت

آیه ۱۱ فرقان (ش ن ۴۲) تصریح می کند که سبب مجادله های مشرکان در مورد قرآن و صدق نبوت محمد صلی الله علیه و آله، به خود قرآن یا پیامبر صلی الله علیه و آله بر نمی گردد؛ بلکه بدان علت است که آن ها نمی خواهند روز قیامت را تصدیق کنند: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ﴾. چرا که قبول این روز به معنای دست کشیدن از خواست ها و شهوت های دنیوی است (میدانی، ۱۳۶۱: ۴۱۹/۶).

قرآن در مقابله با این گروه در آیات ۱۱ تا ۱۴ فرقان (ش ن ۴۲)، نه با پاسخ استدلالی، بلکه با تهدیدهای کوبنده، آینده دردناک تکذیبگران بی مسئولیت را در برابر چشمشان مجسم می سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۶/۱۵).

در بررسی علل سه گانه انکار نبوت، عامل اخیر می تواند دو دلیل قبل را پوشش دهد و بنیادی تر از دلایل قبل قلمداد شود؛ چرا که عدم اعتقاد به آخرت، انسان را از مواجهه مسئولانه در برابر اعمال خود باز می دارد و او را نسبت به حق جسور می کند. از این رو، مشکل حقیقی مشرکان در نپذیرفتن الوهیت خداوند و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله را عدم اعتقاد ایشان به آخرت برای فرار از امتثال اوامر الهی دانسته اند (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۰۱).

این بدان معناست که منکر قیامت برای فرار از مسئولیت ناشی از پذیرش قیامت، با تمام عواملی که هدف معادباوری را محقق می سازد، مقابله می کند. برای همین، مشرکان در مقابل قرآن به عنوان حامل بیان دین، و در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان مبلغ این پیام ها، انواع بهانه ها و شبهات را طرح ریزی می کنند (میدانی، ۱۳۶۱: ۴۱۹/۶).

با این توضیح روشن می گردد که چرا روش قرآن در مقابله با عامل اخیر، تنها جنبه اندازی دارد. در واقع، استفاده از این رویکرد تهدیدآمیز، روش خداوند در مقابله با بهانه جویان مستکبری است که تنها هدفشان از سؤالات، موجه ساختن رفتار خود و جلوگیری از تمایل پیروانشان به پذیرش دعوت الهی است. استفاده از این روش برای این گروه که اهل استدلال نبودند، بیش از استدلالات شناختی در جهت هدایت به مسیر حق، می تواند مؤثر باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۶/۱۵).

شماره مصحف	شماره نزول	شماره آیه	نام سوره	روش مقابله	ریشه انکار نبوت
۲۵	۴۲	۲۰	فرقان	انبیا از جنس بشر	عدم امکان اتصال نوع بشر با خدا
۱۶	۷۰	۴۳	نحل		
۲۱	۷۳	۸-۷	انبیاء		
۱۷	۵۰	۹۵	اسراء	لزوم سنخیت پیامبر با دعوت شونندگان	
۲۵	۴۲	۲۲-۲۱	فرقان	نزول فرشتگان به معنای اتمام مهلت	
۱۵	۵۴	۸	حجر		
۶	۵۵	۸	انعام		
۶	۵۵	۱۲۴	انعام	تعیین جایگاه رسالت، تنها در حوزه اراده الهی	عدم امکان اعطای درجه پیامبری به محرومان دنیوی
۴۳	۶۳	۳۵-۳۳	زخرف	ثروت نشانه برتری نیست	بی اعتقادی به آخرت
۲۵	۴۲	۱۰	فرقان	قدرت خدا بر اعطای بهترین امکانات	
۱۷	۵۰	۹۶	اسراء	اتمام حجت و تهدید منکران	
۲۵		۱۱	فرقان	تهدید به عذاب اخروی	

۳-۲. اثبات نبوت پیامبر ﷺ

به موازات خط مقابله با شبهات مشرکان و تزلزل آفرینی در پایه‌های تفکر ایشان در تکذیب رسالت، دلایل اثبات نبوت پیامبر ﷺ نیز در این مرحله مطرح می‌شود. عمده‌ترین بخش مربوط به اثبات نبوت پیامبر ﷺ، به اثبات صدق دعوت ایشان از طریق معجزات اختصاص دارد. در این زمینه در کتب کلامی، به صورت ویژه از قرآن به عنوان مهم‌ترین معجزه پیامبر ﷺ بحث می‌شود. مجموع آیات هفت‌گانه‌ای که در قرآن بر مسئله تحدی به عنوان یکی از ارکان اعجاز تکیه دارد، بر اساس تقسیم‌بندی این پژوهش، در مرحله دوم فرایند تحول آفرینی قرار می‌گیرد.^۱ در این آیات، قرآن گاه با صراحت و گاه با دلالت التزامی می‌گوید: این کتاب آسمانی از سوی خداست و اگر تردیدی در آن دارید، همگی با تمام نیروهای خود، چیزی همانند آن و یا بخشی از آن را بیاورید؛ چرا که اگر زاینده فکر بشر باشد، شما نیز بشر هستید و در حقیقت با یک منطقی

۱. بقره / ۲۳-۲۴ (ش ۸۷)؛ یونس / ۳۸ (ش ۵۱)؛ هود / ۱۳ (ش ۵۲)؛ اسراء / ۸۸ (ش ۵۰)؛ قصص / ۴۹-۵۰ (ش ۴۹)؛ عنکبوت / ۵۰-۵۱ (ش ۸۵)؛ طور / ۳۳-۳۴ (ش ۷۶).

عقلی روشن، اعجاز قرآن را به طور اجمال تثبیت کرده است (همو، ۱۳۸۶: ۷۹/۸). آنچه بیان شد، تحلیلی از فرایند تحول بخشی در مرحله دوم است که بر مبنای آیات این مرحله، قرآن از یکسو از طریق مقابله با دلایل ظاهری و اصلی انکار نبوت، بطلان این دلایل را روشن می‌سازد و از سوی دیگر با بیان دلایل صدق دعوت پیامبر ﷺ، از نظر ذهنی مخاطب را متقاعد به پذیرش باور نبوت می‌کند.

۳. مرحله سوم: تعمیق باور نبوت

در جهت نهادینه‌سازی مفهوم نبوت و دامنه کارکرد آن، در مرحله سوم، رنگ آیات پیرامون نبوت از شناختی به رفتاری تغییر می‌کند. اگر بینش در مورد صدق ادعای پیامبر ﷺ و پاسخگویی به شبهات پیرامون آن، نقطه اصلی مباحث مرحله قبل بود، در این مرحله محور آیات، تبعیت از پیامبر ﷺ در ابعاد مختلف حیات بشری و پذیرش ایشان به عنوان رهبر دینی - اجتماعی است که تمام گفتارش نه فقط در ابلاغ آیات قرآن، بلکه در عرصه وسیع حیات دینی - اجتماعی، حجت و ملاک عمل و لازم برای تبعیت است. چنان که قلمرو ایمان را علاوه بر تصدیق رسالت نبوی، حضور در عرصه‌های اجتماعی و همراهی با حاکمیت دین نیز دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۷/۲۶۴).

بر این اساس، شروع این دوره را می‌توان از سوره انفال دانست. این سوره هشتاد و هشتمین سوره (ش ۸۸) است که بعد از سوره بقره (خازن، ۱۴۱۵: ۱۰/۱) و نبرد تاریخی بدر در سال دوم هجری نازل گردیده (ابن سعد، بی تا: ۸/۲) و هدف از آن، تبیین وظایف مؤمنان در نبرد با دشمنان است (خامه‌گر، ۱۳۹۲: ۲۳). در سرتاسر این سوره که دومین سوره نازل شده بعد از هجرت پیامبر ﷺ است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۲۸۱/۲)، مفاهیمی به چشم می‌خورد که دلالت بر لزوم تبعیت کامل از پیامبر ﷺ دارد و اطاعت او را در طول اطاعت خداوند می‌شمارد.

۳-۱. تبیین جایگاه پیامبر ﷺ

در مرحله سوم، جایگاه پیامبر ﷺ به گونه عمیق‌تر برای مؤمنان ترسیم می‌شود. این معرفی، ایمان‌آوردگان را در جهت همراهی دائمی با پیامبر ﷺ و جانفشانی در راه تحقق اهداف رسالتش ترغیب می‌کند.

۳-۱-۱. دعوت پیامبر، دعوت به حیات واقعی

آیه ۲۰ انفال (ش ۸۸) به اهل ایمان امر می‌کند که هنگام دعوت پیامبر ﷺ، با اجابت خدا و پیامبر به حیات واقعی نائل آیند. اطلاق عبارت «إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» در این آیه، به معنای ویژگی حیات‌بخشی تمام تعالیم و دعوت‌های رسول خداست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۵/۹).

با این بیان می‌توان گفت که این آیه، بیانگر سطح عمیق‌تری از ایمان به پیامبر ﷺ نسبت به مرحله دوم فرایند تحول‌بخشی است که دستیابی به آن، تنها در پرتو پیروی از پیامبر ﷺ در ساحات مختلف و موقعیت‌های سختی چون جهاد در راه خدا حاصل می‌گردد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۶۷/۱۲) و به زیبایی، بینشی توأم با تشویق را برای همراهی با پیامبر ﷺ در جان مسلمانان ایجاد می‌کند.

۳-۱-۲. منت نهادن خدا بر بندگانش به واسطه مبعوث کردن پیامبر ﷺ

در آیه ۱۶۴ آل عمران (ش ۸۹) خداوند برانگیختن پیامبری از جنس بشر و از قوم و زبان عرب و شناخته‌شده نزد آن‌ها را (شعراوی، ۱۹۹۱: ۱۸۵۳/۳) در جهت تزکیه و تعلیم آنان پس از گمراهی‌شان، نعمتی بزرگ بر ایشان قلمداد می‌کند.

یادآوری گمراهی مؤمنان پیش از بعثت و هدایتشان در پرتو تعالیم پیامبر ﷺ در این آیه سبب می‌شود که از یکسو توجه مردم به نعمت بزرگ رسالت و قدردانی از آن برانگیخته شود و از سوی دیگر، اراده ایشان در تحمل سختی‌های همراهی با پیامبر ﷺ و به ویژه دشواری‌های مولود جنگ تقویت گردد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۵: ۱۲۶/۳).

۳-۱-۳. اسوه بودن پیامبر ﷺ

در آیه ۲۱ احزاب (ش ۹۰) پیامبر ﷺ به عنوان اسوه معرفی می‌شود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا».

در این آیه، خطاب به مسلمانان بیان می‌شود که اساس سلوک ایمانی و حرکت اسلامی‌شان را بر مبنای رفتار پیامبر ﷺ ترسیم کنند و با نظر دوختن به پیامبر ﷺ در تمام اعمال، در نگرش و عملکرد از او تقلید نمایند (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۸۳/۱۸). این بیان بدان معناست که پذیرش رسالت پیامبر ﷺ تنها به معنای تصدیق او نیست، بلکه یکی از

احکام رسالت رسول خدا ﷺ و ایمان آوردن به او، تأسی به او در گفتار و رفتار است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۸/۱۶).

۳-۱-۴. اطاعت از پیامبر ﷺ به مثابه اطاعت از خدا

عبارت ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ (نساء/ ۶۵) (شن ۹۲) بیانگر این مطلب است که اطاعت پیامبر ﷺ، همان اطاعت خداوند، و وسعت آن همچون اطاعت خدا بی قید و مطلق است؛ چرا که مصدر اوامر و نواهی یکی است (زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۹۸/۱۰) و آنچه از ناحیه پیامبر ﷺ صادر می شود، جز از سوی خداوند نیست.

این همترازی در وجوب اطاعت در مرحله سوم فرایند تحول بخشی می تواند مسلمانان را به معرفی عمیق تر از مفهوم رسالت پیامبر ﷺ و گستره فرمانبری از او در همه ساحات فردی و اجتماعی رهنمون سازد.

۳-۱-۵. اولی بودن پیامبر ﷺ

عبارت ﴿التَّيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ (احزاب/ ۶) (شن ۹۰) گزاره ای است که بیان می کند فرد مسلمان هر جا امر را دائر بین حفظ منافع رسول خدا ﷺ و حفظ منافع خودش مشاهده کرد، باید منافع رسول خدا ﷺ را مقدم بدارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۶/۱۶: سبحانی تبریزی، ۱۴۲۱: ۵/۳۹۵-۳۹۶). صاحب المیزان از اطلاقی که در جمله هست، چنین نتیجه گرفته که این اولویت مربوط به تمام شئون زندگی و تمام امور دین و دنیا است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۶/۱۶) و استثنایی در آن وجود ندارد.

این آیه از آیاتی است که در مقام اثبات ولایت و گستره اختیارداری پیامبر ﷺ نسبت به مؤمنان است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۸/۲۶۳). تأکید بر این حاکمیت، اعطای عمیق ترین لایه های معرفت به مؤمنان است که در مرحله سوم صورت می یابد و درک و پذیرش این ولایت از سوی مؤمنان، بالاترین درجه معرفت به پیامبر ﷺ و اطاعت پذیری از ایشان را به دنبال خواهد داشت.

۳-۲. وظایف عملی مؤمنان در مقابل پیامبر ﷺ

به موازات اعطای بینش بر جایگاه پیامبر ﷺ، وظایف عملی مسلمانان در مقابل

پیامبر ﷺ در آیات متعدد در این دوره به مسلمانان گوشزد می‌شود.

۲۶۳

۱-۲-۳. وجوب اطاعت از پیامبر ﷺ

آیه ۲۰ انفال (ش ۸۸) می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَاتُّمَّ تَسْمَعُونَ﴾. قرین بودن ایمان با اطاعت در این آیه، گویای آن است که حقیقت ایمان، جز در سایه اطاعت کامل از خدا و پیروی و عمل به دستورات پیامبر ﷺ تحقق نمی‌یابد (خطیب، ۱۴۲۴: ۵/۵۸۵). عبارت ﴿وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ﴾ در پایان این آیه که تأکید و توضیح جمله ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ می‌باشد و در آن، تنها اعراض از پیامبر ﷺ نه اعراض از خدا مطرح شده نیز بیانگر این نکته است که اعراض از آن حضرت در واقع، اعراض از خط ایمان و دوری از خداوند است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۵۲/۱۰). آیات ۳۲ و ۱۳۲ آل عمران (ش ۸۹)، ۵۹ نساء (ش ۹۲)، ۳۳ محمد (ش ۹۵)، ۷ حشر (ش ۱۰۱)، ۵۴ نور (ش ۱۰۳)، ۱۳ مجادله (ش ۱۰۶)، ۱۲ تغابن (ش ۱۱۰) و ۹۲ مائده (ش ۱۱۳)، نیز در همین راستا قابل بررسی هستند.

۲-۲-۳. تسلیم بودن در برابر تصمیم‌های پیامبر ﷺ

فراتر از اطاعت از پیامبر ﷺ، تسلیم بودن در برابر تصمیم‌های ایشان و رضایت قلبی به آن، از آموزه‌های قرآن در این مرحله است. این تسلیم‌پذیری و سکون قلبی جز در سایه معرفت عمیق و حرکت بر مبنای باور به جایگاه پیامبر ﷺ و شئون ولایت او حاصل نمی‌شود. آیه ۳۶ احزاب (ش ۹۰) به روشنی به ولایت رسول خدا ﷺ بر مؤمنان در تمام امور شخصی و اجتماعی اشاره دارد (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۴۰/۲۴):

«و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد؛ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند، قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است».

آیه ۶۵ نساء (ش ۹۲) نیز بیان می‌کند:

«چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است، داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای، در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند».

این آیه در واقع، بیانگر بالاترین مراتب ایمان است که جز در سایه رضایت و خضوع قلبی تام به داوری پیامبر ﷺ و سخت نبودن پذیرش این داوری در مواقع زیان ظاهری حاصل نمی‌شود (ابن عربی، ۱۴۱۰: ۵۱۹/۱) و این امر ممکن نیست مگر اینکه مسلمان از مرتبه ایمان به کمال ایمان که همان یقین است، نائل شود (بقلی، ۲۰۰۸: ۲۵۷/۱). آیات ۶۲ نور (ش ۱۰۳) و ۴۴، ۴۵، ۵۹ و ۶۲ توبه (ش ۱۱۴) نیز به این امر اشاره دارند.

۳-۲-۳. رعایت آداب تعامل با پیامبر ﷺ

آیات متعددی در این مرحله، به آداب تعامل با پیامبر ﷺ و رعایت حریم او می‌پردازند:

- آداب مهمان شدن در منزل پیامبر ﷺ در آیه ۵۳ احزاب (ش ۹۰):
- آداب تعامل با همسران پیامبر ﷺ در آیه ۵۳ احزاب؛
- ادب در گفتار با پیامبر ﷺ در آیه ۲ حجرات (ش ۱۰۷)؛
- درود فرستادن بر پیامبر ﷺ به همراه خدا و ملائکه در آیه ۵۶ احزاب.

این‌ها همگی وجوهی هستند که در اسلوبی عملی، بر احترام به رسول خدا ﷺ و حفظ جایگاه او تأکید می‌کنند.

۳-۲-۴. سبقت نگرفتن از خدا و پیامبر ﷺ

در آیه ۱ حجرات (ش ۱۰۷) مؤمنان از سبقت جستن بر خدا و رسول نهی می‌شوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾. برخی سبقت در آیه را منحصر به اموری چون سبقت در کلام، سبقت در عبادات و سبقت در حکم (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۱: ۳۵۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۷۴/۲۶) برشمرده‌اند؛ اما برخی دیگر با انتقاد از محدود کردن معنای آیه، مفهوم وسیعی برای آن ترسیم نموده و مقصود از تقدم انسان بر خدا و رسول را خضوع در برابر خواست‌های شخصی و خودرایی در مقابل پیامبر ﷺ و خدا (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۳۶/۲۱)، و نهی را شامل هر گونه پیشی گرفتن از خدا و رسول در هر برنامه و امری دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۳۶/۲۲؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۶/۲۱۸).

۳-۲-۵. تحت فشار قرار ندادن پیامبر ﷺ برای پیروی از درخواست دیگران

خودسرانه عمل نکردن در مسائل مهم اجتماعی و وانهادن آن به رهبری الهی پیامبر ﷺ،

از جمله مفاهیم مطرح شده در این مرحله است. آیه ۷ حجرات (ش ن ۱۰۷) با محتوای نکوهشی، بیانگر اقدام برخی مسلمانان به تحمیل آرای شخصی خود بر پیامبر ﷺ در پذیرش خبر فاسق است؛ انتظاری که در صورت برآورده شدن، ضرر آن متوجه خود مسلمانان است. از این رو خداوند در پاسخ به این گروه هشدار می‌دهد: ﴿لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ﴾.

این هشدار که به مسلمانان می‌آموزد اطاعت‌پذیری از پیامبر ﷺ، نه فقط یک دستور الهی، بلکه یک ضرورت اجتماعی است، نشان می‌دهد که برخی مسلمانان علی‌رغم ایمان به پیامبر ﷺ، انتظار داشتند که حضرت در بسیاری از موارد از ایشان تبعیت کند (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۱: ۳۹۶/۵).

۶-۲-۳. دفاع و حمایت از پیامبر ﷺ

در آیه ۹ فتح (ش ن ۱۱۲) خداوند بعد از ذکر اوصاف پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿لِثَوِّمُنَا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتَتَّبِعُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾.

مفسران در بیان مرجع ضمائر «تُعَزِّرُوهُ» و «تُوَقِّرُوهُ»، دو دیدگاه ارائه داده‌اند؛ جمعی برای هماهنگ شدن تمام ضمیرهای موجود در آیه، ضمیر این دو فعل را نیز به «الله» بازگردانده و معنای آیه را یاری دین و تعظیم خداوند به عنوان هدف نهایی رسالت انبیا ذکر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۳۴/۲؛ حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵۰/۱۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۴/۱۸). اما شمار بسیاری، ضمیر را به پیامبر ﷺ بازگردانده و هدف آیه را دفاع از پیامبر ﷺ در مقابل دشمن و تعظیم و بزرگداشت او بیان کرده‌اند (بلخی، ۱۴۲۳: ۷۰/۴؛ فراء، ۱۹۸۰: ۶۵/۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳۱۳/۳؛ طوسی، بی‌تا: ۳۱۸/۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۷۱/۹).

بنا بر دیدگاه دوم، این آیه را می‌توان ترسیم وظیفه مسلمانان در مقابل پیامبر ﷺ لحاظ کرد که در مرحله سوم فرایند تحول‌بخشی بر آن تأکید می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، از بررسی آیات محوری پیرامون نبوت بر مبنای ترتیب نزول، فرایند گذار از تکذیب پیامبر ﷺ به پذیرش ایشان به عنوان رهبر دینی و اجتماعی

و تبعیت تام از او به دست می آید.

بر اساس حاصل مطالعات این پژوهش، فرایند تحول آفرینی در باور نبوت را در سه مرحله اصلی می توان ردیابی کرد که اهداف، محتوا و روش قرآن در این مراحل، متناسب با جامعه مخاطب و سیر تحول بخشی تفاوت می یابد.

در مرحله اول، مربوط به سال های آغازین بعثت، قرآن با هدف زمینه سازی ایجاد باور نبوت، به معرفی پیامبر ﷺ و بیان مباحث کلیدی فرایند تحول بخشی در باور نبوت می پردازد.

در مرحله دوم که از اواسط دوران مکی و با اوج گیری مخالفت ها در برابر پیامبر ﷺ شروع می شود و تا اوایل دوران مدنی ادامه می یابد، محتوای آیات با هدف تبیین باور نبوت، بر تخریب پایه های استدلالی مشرکان و پاسخ به شبهات پیرامون نبوت پیامبر ﷺ و اثبات حقانیت رسالت او تمرکز دارد.

در مرحله سوم بعد از دوران مدنی، مضامین آیات با هدف تعمیق باور ایجاد شده، رنگ جدیدی یافته و متناسب با هدف جدید، تبیین جایگاه پیامبر ﷺ و نقش او در حرکت دادن جامعه به سمت اهداف دینی و وظایف عملی مسلمانان در همراهی با پیامبر ﷺ در تحقق این اهداف، محتوای اصلی این دوره را تشکیل می دهد.

بر این اساس با توجه به هدف و محتوای هر مرحله، رویکرد تحول آفرینی قرآن را می توان بر پایه تقدم سازوکار انگیزشی بر شناختی، و شناختی بر رفتاری، تحلیل و الگوی قرآنی تحول بخشی را در باور به نبوت بر پایه انگیزش - شناخت - رفتار ترسیم کرد؛ انگیزش در جهت ترغیب مخاطب به شنیدن دعوت رسالت، شناخت در جهت متقاعد ساختن مخاطب از لحاظ ذهنی برای پذیرش باور نبوت، و رفتار در جهت تعمیق و عملیاتی کردن باور نبوت در عرصه وسیع حیات دینی و اجتماعی و ساختن جامعه ایمانی با تبعیت از پیامبر ﷺ بر مبنای رفتارهای مبتنی بر شناخت مبتنی بر گرایش.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ ق.
۳. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا.
۴. ابن عربی، ابوبکر محیی‌الدین محمد بن علی، رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، تحقیق محمود محمود غراب، دمشق، نصر، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابن عطیة اندلسی، ابومحمد عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۶. ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، به کوشش ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۴۱۱ ق.
۷. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، النهایة فی الفتن و الملاحم، تحقیق صدقی جمیل عطار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۵ ق.
۸. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمة فی معرفة الائمة، بیروت، دار الاضواء، بی تا.
۹. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید. ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزاد روز، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. بقلی، ابومحمد صدرالدین روزبهان بن ابی نصر، عرائس البیان فی حقائق القرآن، تحقیق احمد فرید مزیدی، لبنان، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۲۰۰۸ م.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره، ۱۳۳۷ ش.
۱۲. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ جامعه در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. حسینی آوسی بغدادی، شهاب‌الدین سید محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. خازن، علاء‌الدین علی بن محمد بن ابراهیم بغدادی، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، تحقیق عبدالسلام محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. خامه‌گر، محمد، ساختار سوره‌های قرآن کریم، قم، نشر، ۱۳۹۲ ش.
۱۷. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت، دار الفکر العربی، ۱۴۲۴ ق.
۱۸. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، چاپ دوم، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.
۱۹. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی و جمال حمدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰ ق.
۲۰. زمخشری، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجه التأویل، تصحیح مصطفی حسین احمد، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر، مفاهیم القرآن، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۱ ق.
۲۲. سلیمی، هادی، تفسیر تحلیل گزاره‌های اقتصادی در ترتیب نزول قرآن (مطالعه موردی: جامعه‌سازی اقتصادی)، رساله دکتری دانشکده الهیات و معارف اهل بیت علیهم السلام، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۸ ش.

۲۳. سمرقندی، ابوليث نصر بن محمد بن احمد، *تفسير السمرقندی المسمى بحر العلوم*، تحقيق و تعليق محب الدين ابوسعید عمر بن غرامه عمروی، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۶ ق.
۲۴. شعراوی، محمد متولی، *تفسير الشعراوی*، بیروت، اخبار اليوم، ۱۹۹۱ م.
۲۵. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسير القرآن بالقرآن و السنة*، چاپ دوم، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسير القرآن*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۲۷. طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب، *التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم للامام الطبرانی*، تحقيق هشام بدرانی، اردن، دار الكتاب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
۲۸. طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسير القرآن*، مقدمه محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسير القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۳۰. طنطاوی، محمد سید، *التفسير الوسيط للقرآن الکریم*، قاهره، دار نهضة مصر للطباعة و النشر، ۱۹۹۷ م.
۳۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *التبیان فی تفسير القرآن*، تصحیح احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، *تفسير سورة الفاتحه*، بیروت، مرکز الاسلامی للدراسات، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، چاپ چهارم، بیروت، دار الساقی، ۱۴۲۲ ق.
۳۴. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، *التفسير الكبير (مفاتیح الغیب)*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۵. فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، تحقيق محمد علی نجار، چاپ دوم، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۰ م.
۳۶. فضل الله، سید محمد حسین، *تفسير من وحی القرآن*، چاپ دوم، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
۳۷. قرشی بنابی، علی اکبر، *تفسير احسن الحديث*، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.
۳۸. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن، *لطائف الاشارات؛ تفسير صوفی کامل للقرآن الکریم*، چاپ سوم، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۲۰۰۰ م.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسير القمی*، تحقيق سید طیب موسوی جزایری، چاپ سوم، قم، دار الكتاب، ۱۳۶۳ ش.
۴۰. کرمی حویزی، محمد، *التفسير لكتاب الله المنیر*، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۲ ق.
۴۱. ماوردی بصری، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، *النکت و العیون (تفسير الماوردی)*، تعليق سید بن عبدالمقصود بن عبدالرحیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بی تا.
۴۲. معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپ سوم، قم، التمهید، ۱۴۲۸ ق.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسير نمونه*، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۴۴. میدانی، عبدالرحمان حسن حبیکه، *معارج التفکر و دقائق التذکر*، دمشق، دار القلم، ۱۳۶۱ ش.
۴۵. نکونام، جعفر، *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*، تهران، هستی نما، ۱۳۸۰ ش.
۴۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسير راهنما (روشی نو در ارائه مفاهیم و موضوعات قرآن)*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.